



# عهد و گفتگو

*Jonathan Sacks*  
THE RABBI SACKS LEGACY

مطالعات SPIRITUALITY  
از درسگفتارها و نوشتارهای ربای لرد جانانان ساکس

با سپاس از Schimmel Family برای حمایت سخاوتمندانه از عهد و گفتگو به نكوداشت یاد Harry (Chaim) Schimmel. "من از همان بار اول که با نسخه تفسیر توره ربای خیم شیمل روبرو شدم تا اکنون، آنرا عزیز داشته ام. هدف آن نه فقط نشان دادن حقیقت ظاهری متن توره، بلکه رسیدن به حقیقت زهری است که در آن نهفته است. او به همراه همسر ستودنی اش آن در صحت سال زندگی مشترک، یک زندگی سرشار از عشق به خانواده، اجتماع و تورات ساختند. زوج بهمانندی که با نمونه زندگی خود، بینهایت الهام بخش من بوده اند." - ربای ساکس

## تفسیر هفتگی تورات

اخره موت - قدوشیم

شهامت پذیرش خطا

Acharei Mot - Kedoshim

The Courage to Admit Mistakes

چند سال پیش فیلیپ لدر، سفیر آمریکایی در دربار سنت جیمز، به دیدن من آمد. برایم درباره پروژه ای چشمگیر گفت که او و همسرش در سال ۱۹۸۱ آغاز کردند. آنها دریافته بودند که بسیاری از معاصران آنها در آینده ای نزدیک در پست های قدرت قرار خواهند گرفت. او فکر کرده بود مفید و خلاق است اگر هرچند گاهی برای یک تفریح همراه مطالعه گردهم بیایند تا به تبادل افکار، گوش دادن به سخنرانی های متخصصان، دوستیابی و همراه یکدیگر اندیشیدن به چالش های موجود بپردازند. به این ترتیب، این جلسات را آخر هفته های نوزایی نامیدند که هنوز هم ادامه دارند.

جالبترین نکته ای این بود که آنها دریافتند شرکت کنندگان که همگی افراد با استعدادهای استثنایی بودند، یک کار برایشان دشوار بود؛ پذیرفتن اشتباه های خود. خانم و آقای لدر

فهمیدند که از نکته ای مهم آگاه شده اند. رهبران از همه بیشتر باید بپذیرند کجا و چگونه به خطا رفته اند و چگونه باید آنرا اصلاح کنند. آنها به ایده ای درخشان رسیدند. یک جلسه را اختصاص دادند به صحبت یک فرد شاخص در یک زمینه ی خاص به عنوان "بزرگترین خیتی من". من که انگلیسی و نه آمریکایی بودم احتیاج داشتم که این کلمه را برایم ترجمه کنند. فهمیدم که خیتی یعنی یک اشتباهی که آدم را خجالت زده می کند، مانند یک بی ادبی، یک خطای زبانی، یک قدم ناصواب یا حرکت رسواگر. کاری که نباید می کردید و از انجام آن شرمنده هستید.

این همان کاری است که یوم کیپور در یهودیت انجام می دهد. در دوران های میشکان و معبد، در این روز، مقدسترین فرد اسرائیل یعنی کوهن گادول ابتدا برای گناهان خود و سپس برای گناهان تمام بنی اسرائیل توبه و طلب بخشودگی می کرد. از روزی که معبد ویران شد ما دیگر نه کوهن گادول داریم و نه آیین هایی که او اجرا می کرد، اما هنوز روز کیپور و توانایی اعتراف و دعا و طلب بخشودگی را داریم. پذیرش خطاها، شکست ها و اشتباه های خود، وقتی دیگران نیز چنین می کنند، بسیار آسانتر می شود. اگر یک کوهن گادول یا دیگر افراد جماعت می توانند به گناهان خود اعتراف کنند، ما هم می توانیم.

من جای دیگری گفته ام که حرکت از یوم کیپور اول به دومی یکی از بزرگترین گذارها در معنویت یهودی بوده است. اولین یوم کیپور در اوج تلاش های موسی برای تضمین بخشودگی قوم پس از گناه ساختن گوساله ی طلایی بود (خروج ۳۴-۳۲). این روند که در ۱۷ تموز آغاز شد در ۱۰ تیشری یا یوم کیپور، تکمیل شد. این روزی بود که موسی با دومین جفت لوح ها از کوه پایین آمد: نشانه ای آشکار از این که خدا عهد خود با قوم را تجدید کرده است. دومین یوم کیپور که یک سال بعد بود، آغاز دسته ای از آیین ها بود

که در پاراشای این هفته (لاویان ۱۶) بیان می شوند و در میشکان توسط اهرون در نقش کوهن گادول اجرا شدند.

تفاوت های این دو روز بسیار عظیم بودند. موسی کار یک پیامبر را انجام داد، اهرون کار یک کاهن را. موسی قلب و ذهن خود را دنبال کرد و در پاسخ به خدا ابتکار به خرج داد. اهرون آیین های دقیقا طراحی شده ی کوهن گادول را با تمام ریزه کاری های از پیش تعیین شده را انجام می داد. رویارویی های موسی، تماس های ناگهانی، منحصر به فرد و تکرار نشدنی میان زمین و عرش خدا بودند. رویارویی های اهرون برعکس بودند. قواعدی که او دنبال می کرد، هرگز تا نسل ها و تا وقتی معبد پابرجا بود، تغییر نکردند.

دعاهای موسی برای مردم پر از جسارتی بود که حکیمان تلمودی آنرا *chutzpah* *kelapei shemaya* نامیدند، یعنی "جسارت در برابر عرش" که در این کلام حیرت انگیز به اوج می رسد: "اینک استدعا دارم که گناهان آنها را ببخشی - اما اگر نمی ببخشی، پس نام مرا از کتابی که نوشته ای حذف کن." (خروج ۳۲:۳۲). رفتار اهرون برعکس، برای اطاعت، فروتنی و اعتراف مشهور است. آیین های طهارت، فدیة های گناه و کفاره دادن برای گناهان خود و افراد خانه و مردم مرسوم بود.

حرکت از یوم کیپور اول به یوم کیپور دوم، نمونه ای بارزی است از آنچه مکس وبر "هنجار سازی کاریزما" می نامد؛ یعنی لحظه ای یگانه را تبدیل به آیین کردن و "اوج یک تجربه" را به بخشی عادی از زندگی بدل ساختن. لحظه های اندکی در توراہ پس از گوساله ی طلایی از نظر شدت لحن میان موسی و خدا با این کلمات برابری می کنند. اما پرسش این بود: ما که دیگر موسایی، پیامبری یا دسترسی مستقیمی به خدا نداریم، چگونه به بخشودگی دست یابیم؟ لحظه های بزرگ، تاریخ را دگرگون می سازند. اما آنچه ما را

دگرگون می کند، عادت انجام تکراری برخی کارها است برای برنامه ریزی مغز و تغییر عادت های قلبی ما. ما با آیین هایی که مکرر انجام می دهیم، شکل می گیریم.

افزون بر این، وساطت موسی با خدا به خودی خود، ایجاد حالت توبه در قوم نکرد. بلکه او کارهایی خشن کرد تا به مردم گناهشان را نشان دهد. اما هیچ شواهدی در دست ما نیست که این احساس تقصیر در آنها نهادینه شد. کارهای اهرن از نوع دیگری بودند، شامل اعتراف، توبه و خواست پالایش روحانی و شناختی ساده از گناهان و شکست های قوم را دربرداشتند. این کار از خود کوهن گادول آغاز شد.

تاثیر یوم کیپور - که در قالب تخنون یا التماس ها به دعا های بیشتر زمان های سال بسط یافته اند و سلیخوت برای بخشودگی گناهان - برای ایجاد یک فرهنگ بود که در آن مردم از گفتن "من اشتباه کردم، مرتکب گناه شدم، اشتباه کردم" شرمند یا معذب نباشند. این کاری است که ما در دعا های یوم کیپور انجام می دهیم وقتی خطاها را در فهرست های الفبایی نام می بریم که یکی با آشامو با گادنو و دیگری با عل خت شچاتنو آغاز می شوند. همان گونه که فیلیپ لدر دریافت، ظرفیت پذیرفتن خطاها چندان در میان آدم ها رواج ندارد. ما دلیل تراشی، توجیه و انکار می کنیم و دیگران را مورد سرزنش قرار می دهیم. چندین کتاب مهم در همین مورد در سال های اخیر منتشر شده اند، از جمله از متیو سید به نام جعبه سیاه فکر: حقیقت شگفت انگیز در مورد موفقیت (و چرا مردم هرگز از خطاهای خود نمی آموزند) از کاترین شولز: اشتباه کردن: ماجراجویی در حاشیه های خطا؛ و از کارول تاوریس و الیوت ارونسون: خطاهای انجام شده، اما نه توسط من <sup>1</sup>.

---

<sup>1</sup>*Black Box Thinking: The Surprising Truth About Success (and Why Some People Never Learn from Their Mistakes)*; Kathryn Schulz, *Being Wrong: Adventures in*

برای سیاستمداران، پذیرفتن اشتباه دشوار است. همچنین برای پزشکان: خطاهای پزشکی قابل پیشگیری سالانه ۴۰۰،۰۰۰ مرگ در ایالات متحده را موجب می شوند. بانکداران و اقتصاد دانان نیز همین گونه هستند. سقوط مالی سال ۲۰۰۸ توسط وارن بافت در سال ۲۰۰۲ پیش بینی شده بود. اما با وجود هشدارهای چندین کارشناس که می گفتند سطح وام های خانه و میزان پشتوانه های آنها قبل حفظ نیستند، به وقوع پیوست. تاوریس و ارونسون داستان مشابهی را در مورد پلیس می گویند. پلیس ها به محض شناسایی یک فرد مظنون نسبت به پذیرش شواهد بیگناهی او بیمیل می شوند. و همین گونه تا آخر. راه های گریز زدن بیشمارند. آدم ها می گویند این یک اشتباه نبود. یا به دلیل شرایط، بهترین کاری بود که از من بر می آمد. یا این یک خطای کوچک بود. یا با دانسته های ما در آن زمان این خطا ناگزیر بود. یا کس دیگری را باید سرزنش کرد. به ما داده های غلط داده بودند. مشورت نادرست گرفته بودیم. آدم ها این گونه دروغ می گویند یا انکار می کنند و یا خود را قربانی می پندارند.

ما تقریباً ظرفیتی بینهایت برای تفسیر داده ها برای توجیه خود داریم. بنا به گفته ی حکیمان تلمودی در مورد قوانین طهارت "هیچ کس نمی توانست نقص ها و ناپاکی های خود را ببیند". ما بهترین مدافعان خودمان در دادگاه حرمت خود هستیم. به ندرت می توان یافت فرد باشهامتی را که مانند کوهن گادول یا داوود پادشاه پس از آنکه ناتان نبی گناه رابطه ی او با اوریا و بت شووع را به روی او آورد، بگوید: خاطاتی، یعنی خطا کردم.

یهودیت به ما کمک می کند به خطاهای خود از سه راه اعتراف کنیم. نخست، دانستن اینکه خدا می بخشد. خدا از ما نمی خواهد که هیچ گاه خطا نکنیم. او از ابتدا می دانست

---

*the Margins of Error*, and Carol Tavris and Elliot Aronson, *Mistakes Were Made, But Not By Me*.

موهبت آزادی می تواند مورد سوء استفاده قرار گیرد. همه‌ی آنچه او درخواست کرد، این است که ما خطاهای خود را بپذیریم، از آنها بیاموزیم، اعتراف کنیم و عهد ببندیم که دیگر هرگز مرتکب آنها نشویم.

راه دوم، تفکیک روشنی است که یهودیت میان گناهکار و گناه می گذارد. می توانیم یک عمل را محکوم کنیم بدون از دست دادن ایمان خود به انجام دهنده‌ی عمل.

سومین راه، سایه ای است که یوم کیپور بر تمام روزهای سال می اندازد که فرهنگی از صداقت می سازد تا کسی از پذیرفته خطاهای خود شرمند نشود. و با آنکه یوم کیپور روی گناهان ما به درگاه خدا تمرکز دارد، خواندن فهرست های اعتراف به گناهان به سادگی نشان می دهند که بیشتر گناهایی که به آنها اعتراف می کنیم، به رفتار ما با دیگران برمی گردد.

آنچه را فیلیپ لدر در مورد معاصران نخبه‌ی خود دریافت، یهودیت از خیلی پیش از این درونی کرده بود. وقتی ببینیم که بهترین افراد، خطاهای خود را می پذیرند، ما نیز به این کار تشویق می شویم. نخستین یهودی ای که خطای خود را پذیرفت، یهودا بود که به غلط تامار را متهم به رابطه‌ی جنسی نامشروع کرد و سپس فهمید که اشتباه کرده و گفت: "تامار از من درست‌کارتر است" (پیدایش ۳۸:۲۶).

این بی تردید چیزی فراتر از یک همزمانی ساده است که نام یهودا از ریشه‌ی مشترکی با ویدو به معنای اعتراف آمده است. به بیان دیگر، این که ما "یهودیم" نامیده شده ایم، یعنی ما مردمی هستیم که شهادت اعتراف به خطاهای خود داریم.

انتقاد از خود صادقانه یکی از نشانه‌های روشن عظمت معنوی است.

شبات شالوم

ترجمه فارسی با مشارکت بنیاد ایرانی هارامام، وابسته به فدراسیون یهودیان ایرانی-آمریکایی توسط شیریندخت  
دقیقیان

Persian Translation by Shirin D. Daghighian



[www.RabbiSacks.org](http://www.RabbiSacks.org)     @RabbiSacks

The Rabbi Sacks Legacy Trust, PO Box 72007, London, NW6 6RW • +44 (0)20 7286 6391 • [info@rabbisacks.org](mailto:info@rabbisacks.org)

© Rabbi Sacks • All rights reserved